

## از فولکلور سیاسی تا تاریخ نگاری

رامین کامران

۲۸ مرداد یکی از نقاط عطف تاریخ معاصر ایران است. نبردی که ملت ایران از انقلاب مشروطیت آغاز کرد تا نظام قدیم سیاسی کشور را با دمکراسی پارلمانی جایگزین سازد (نبردی که هنوز به نتیجه دلخواه نرسیده است) در این تاریخ با یکی از بحرانهای عمده خویش مواجه شد، بحرانی که به شکست لیبرالها و پیروزی طرفداران حکومت اتوریتر انجامید. پیروزمندان ۲۸ مرداد بیست و پنج سال بعد جای خود را به مدافعان توتالیتاریسم اسلامی سپردند و ایران را به یکی از بزرگترین دورانهای تیره‌بختیش سوق دادند.

با گذشت زمان ارزش و اهمیت آن فرصت بزرگ تاریخی که پنجاه سال پیش از دست مردم ایران به در رفت، بیش از پیش آشکار شده و نوعی احساس غبن روزافزون به هیجان بحثهایی که بر سر این واقعه درمیگیرد دامن زده است. در اینجا قصد من نه تحلیل واقعه و اهمیت تاریخی خود آن است که بر همگان آشکار است و نه سنجش موضعگیریهایی که در باب آن صورت میگیرد و برای همه آشناست، بلکه پرداختن به مسئله اسناد کودتاست.

از واقعه‌ای که این همه از آن سخن رفته سند رسمی و مستقیمی در دسترس ما نیست مگر نسخه‌ای ناقص و سانسور شده از گزارش دونالد ویلبر که بلافاصله پس از انجام کودتا برای استفاده داخلی کارمندان سیا تهیه شده است و چندی پیش در دوران کلینتون و توسط خانم آلبرایت منتشر شد. تا آن زمان جز خاطرات برخی از دست اندر کاران قضیه که گاه با افسانه و تبلیغات هم آمیخته است، چیز دندانگیری در دسترس پژوهشگران قرار نداشت. همه میدانستند که کودتا کار سرویسهای اطلاعاتی انگلستان و آمریکا است، کسی هم منکر قضیه نبود مگر پادوها و بهره‌وران ایرانی کودتا، ولی دولت آمریکا هیچگاه به طور رسمی انجام این عمل را بر عهده نگرفته بود و به غیر از کلیاتی که به هر صورت پنهان نمیماند، اطلاعات دقیقی از واقعه به دست کسی نرسیده بود.

گزارش ویلبر که تازه بخشهایی از آن حذف شده است، اولین قدم برای انتشار اسناد رسمی این حکایت بود و راهگشای پژوهش متکی بر سند در باب این واقعه مهم. بازتاب وسیع آن در سایتهای اینترنتی ضربه قاطعی بود به دروغپدازیهای چندین ساله در باب آنچه که دولت قبل از انقلاب «قیام ملی» مینامید. کتاب «همه مردان شاه» نوشته استفن کینزر مخبر نیویورک تایمز هم که با استفاده و احتمالاً تحت تأثیر تکان ناشی از نشر گزارش سیا نوشته شد، اولین روایت مفصل و در عین حال خواندنی از تجربه حکومت مصدق بود که در دسترس خوانندگان انگلیسی زبان قرار گرفت و به سرعت هم به فارسی ترجمه شد.

ولی با تمام این احوال از انتشار ناقص گزارش ویلبر تا روشن شدن تمام زوایای داستان راه درازی در پیش است. اسناد عملیاتی که منجر به سقوط مصدق شد هنوز در گوشه‌ای از بایگانی دولت آمریکا خاک میخورد و باید خواستار افشای آنها بود.

### دلایل طفره روی آمریکا

انتشار این اسناد دو رشته پیامد خواهد داشت، یکی تاریخی و دیگر سیاسی. این هر دو به هم بسته است و نباید هیچکدام را از نظر دور داشت. بخصوص که سرتافتن آمریکا از افشای آنها دلیل سیاسی دارد نه انگیزه جلوگیری از پژوهش تاریخی. البته این دولت

مدعیست که به غیر از گزارش ویلبر تمامی مدارک مربوط به کودتای ۲۸ مرداد به طور اتفاقی و یا طبق رویه‌ای که سازمان سیا طی سالهای ۱۹۶۰ پیشه کرده بوده، نابود شده و اثری از آنها باقی نیست. این سخن مطلقاً پذیرفتنی نیست. هیچ دستگاه عمده دولتی، آنهم در دولتی به عرض و طول دولت آمریکا، به عمد آرشیوهای خود را که حافظه دستگاه و پشتوانه و پایه کار آن است به دست خود نابود نمیکند تا سازمان سیا چنین کرده باشد. اسنادی به این اهمیت، آنهم مربوط به یکی از بزرگترین پیروزیهای تاریخی سازمان مزبور، چیزی نیست که یکی دو نفر با استفاده از موقعیت و به هر دلیل شخصی یا غیرشخصی بتوانند آنها را از بایگانی بیرون بکشند و از بین ببرند. بهانه از بین رفتن این اسناد فقط دستاویز سستی است برای احتراز از انتشارشان.

از این حکایت «ناپدید شدن» که از زمره چشمبندی است اگر بگذریم میتوان چند دلیل برای توجیه موضع ایالات متحده جست. یکی اصرار بر آبروداری است محض حفظ ظاهر آزادیخواهی در جهان. البته در قبح کودتایی که یک دولت دمکرات را هدف گرفت و ملتی را به پرتگاه دیکتاتوری چندین ساله انداخت شک نمیتوان کرد ولی این دلیل چندان محکم نیست. اول برای اینکه چند و چون سیاست چندین ساله آمریکا در قبال کشورهای جهان سوم برای همه روشن است، کیست که بپذیرد آمریکا در این بخش از دنیا فقط در پی ترویج آزادی بوده است؟ این همه ساده لوحی غیرممکن نیست ولی کمیاب حتماً هست. علاوه بر این باید در نظر داشت که سالهاست آمریکا اسناد مربوط به سیاستهای مشابهی را که در چهار گوشه دنیا پی گرفته، عیان کرده و در اختیار همگان قرار داده است. خلاصه اینکه روش دیکتاتور پروری آمریکا پنهان نمانده که آشکار شدنش رسوایی در پی بیاورد. دلیل دیگری را هم میتوان در تصور آورد و آن کوشش در مخفی نگاه داشتن شیوه عملی است که در ایران باعث سقوط مصدق شد. ولی این دلیل هم پذیرفتنی نیست چون این روش تغییر حکومت سرمشق عملیاتی بوده است که در بسیاری نقاط دیگر به اجرا گذاشته شده است و اسناد مربوط به آنها نیز فاش شده است. بنا بر این دیگر صحبت از «حفظ اسرار حرفه‌ای» نمیتوان کرد که فرض کنیم اگر اسناد ۲۸ مرداد در دسترس دیگران قرار بگیرد راه مقابله با این روشها را خواهند آموخت.

میماند دلیل سوم که به تصور من دلیل اصلی است. آمریکا هنوز پرونده ۲۸ مرداد را بسته نمیداند که بخواهد آنرا فاش سازد. بسته نمیداند به این معنا که هنوز تصور میکند که میتواند باز برگ حکومت اتوریتر را در ایران بازی کند، از وارثان ۲۸ مرداد برای رسیدن به این هدف استفاده کند و باز برای مدتی نامعلوم اختیار این کشور را به دست بگیرد و از امکانات استراتژیک و اقتصادی آن بهره ببرد.

### فایده انتشار اسناد برای ایرانیان

در مقابل، ایرانیانی که خواستار برقراری دمکراسی لیبرال در کشورشان هستند باید در درجه اول به همین دلیل آخر بر افشای اسناد ۲۸ مرداد پافشاری کنند. برای اینکه آمریکا را وادارند تا به اصطلاح «دست خود را بسوزاند» و از سودای برقراری حکومت اتوریتر در ایران دست بشوید. در این کار عذرخواهی رسمی که لازم است و یکبار هم از آدمهای عوضی، یعنی حکام فعلی ایران که دشمن قسم خورده مصدق هستند، انجام شده، آنقدر مهم نیست که انتشار اسناد. البته هیچکدام این دو بیمه قاطع نیست اما به احتمال قوی در ممانعت از دخالتهای آینده آمریکا بی اثر نخواهد بود.

تازه این فقط یک وجه از اهمیت کار است که مربوط به پیشگیری از فشار خارجی در جلوگیری از برقراری دمکراسی است. اهمیت وجه داخلی کار اگر بیشتر نباشد حتماً کمتر نیست.

برخی تصور میکنند که صرف نضج گرفتن آزادیخواهی، حس احترام نسبت به حقوق دیگران و درک لزوم حکومت قانون برای برقراری دموکراسی در یک کشور کافی است. اولاً دموکراسی امری صرفاً مربوط به جهان اندیشه نیست که تحققش فقط با انجام یک رشته تغییرات فکری ممکن شود. دوم اینکه تازه در حوزه اندیشه وقتی میتوان رواج این افکار را که به هر حال لازم است، کافی به حساب آورد که کشوری بخواهد تازه پا به راه تجدد بگذارد، یعنی از شیوه کشورداری کهنی که این عوامل در آن جایی ندارد به جهانی قدم بنهد که این عقاید محور شکل‌گیری نظام سیاسی است. ایران قبل از مشروطیت نمونه خوب و آشنایی از این دست است و همه ما کمابیش با کوششهای آزادیخواهانی که ایرانیان را از خواب غفلت چندین ساله بیدار کردند و فکر آزادی را در بین آنها ترویج نمودند، آشناییم. ولی ایران امروز دیگر ایران قبل از مشروطیت نیست، صد سال تجربه رودرویی انتخاباتیهای سیاسی متفاوت، بیش از پنجاه سال تجربه حکومت اتوریتر و بیست و پنج سال حکومت توتالیتر را در پس دارد و امید رسیدن به آزادی را در پیش. صاحب تاریخ سیاسی مدرن است و این تاریخش مرجعی است برای هویت‌یابی گروههای مختلف سیاسی، برای درک کیفیت رابطه آنها با هم و در یک کلام برای تجربه اندوزی از گذشته‌ای که بهترین مرجع آموزش است و امروز برخی به دلایل سیاسی که بسیار روشن است ولی چندان قابل دفاع نیست، معتقدند که باید فراموشش کرد و فقط به آینده نگریست.

آزادیخواهی ایرانیان در نقطه شروع تاریخ خود نیست که به گفتار عقیدتی ختم شود. آنهایی که معتقدند باید کار دموکراسی را در ایران از صفر شروع کرد در حقیقت هدفی جز نفی سابقه این حرکت تاریخی ندارند و به همین دلیل هم میتوان جداً در آزادیخواهیشان شک کرد. استقرار و استحکام دموکراسی آینده ایران همانقدر که مستلزم رواج اعتقاد به آزادی و لزوم جدایی دین و دولت در بین مردم ایران است محتاج تنظیم و جا افتادن گفتار تاریخی مدونی هم هست که تاریخچه کوششهای موفق و ناموفق آزادیخواهان ایران را به عنوان مرجع تاریخی این حرکت یک قرنه به همگان عرضه بدارد و پایگاه و پشتوانه و هویت تاریخی آنها را برایشان روشن کند. شکل گرفتن این گفتار در درجه اول مدیون کار مورخانی است که چه در ایران و چه در خارج از این کشور به کندوکاو در تاریخ معاصر ایران میپردازند و حاصل کارشان در دسترس همه کسانی قرار میگیرد که میخواهند گذشته کشور خود و در حقیقت گذشته خویش را به عنوان فردی از افراد ملت ایران، بشناسند.

باید به تفاوت بین این گفتار تاریخی و فولکلور سیاسی که در بین مردم رواج داشته و دارد و مبنای شکل‌گیری هویت سیاسی اکثر افراد علاقمند به امور سیاسی است، توجه داشت. کار تاریخی درست مستلزم انضباط مفهومی و وسواس در واریسی مطالب است و ربطی به نقل خاطرات شخصی و تسری موضعگیری‌های احساسی ندارد. دست یافتن به اسناد ۲۸ مرداد برای شکل بخشیدن به گفتار تاریخی لیبرال به تمام معنا ضروری است، زیرا به ایرانیان لیبرال فرصت خواهد داد تا بخش مهمی از گذشته خویش را که در حقیقت تاریخچه آزادیخواهی در ایران است به طور هر چه کامل‌تر بنگارند و از آن به عنوان نقطه اتکایی برای پیشبرد خواستهای امروز خویش استفاده کنند و آنچه را از فولکلور سیاسی آموخته‌اند با دانش تاریخی جایگزین سازند.

### تنوع‌موضوعگیری‌های ایرانیان

از لیبرال‌ها که بگذریم اعضای دیگر خانواده‌های سیاسی ایران نسبت به افشای اسناد ۲۸ مرداد موضع یکسانی ندارند. منطقی هم هست که نداشته باشند، هر کدام در پی

برقراری حکومت دلخواه خود بوده‌اند و هستند و در این راه با دیگران، از جمله لیبرال‌ها، دست و پنجه نرم کرده‌اند. منطق رودرویی چهار خانوادهٔ سیاسی که تاریخ ایران مدرن را شکل داده است چنین حکم میکند که نقاط عطف تاریخ و وقایع مهم آن در نظر این چهار گروه یکسان نباشد. داو کشمکش آنها تعیین نظام سیاسی مملکت بوده است و تاریخ، چنانکه باید، نقطهٔ اتکا و اسباب توجیه انتخاب‌های هر کدام است، طبیعی است که بر سرش اتفاق نظر نداشته باشند.

از رادیکال‌های کمونیست شروع کنیم. موضع آنها دوگانه است. از یک طرف به دلیل سرکوب حزب توده پس از کودتای ۲۸ مرداد، خود را جزو قربانیان واقعه به شمار می‌آورند و دشمنی ایدئولوژیک خود را با آمریکا به این ترتیب توجیه میکنند. بنابراین هر چه دست آمریکا بیشتر رو بشود راضی‌ترند. از طرف دیگر لافهایی که در بارهٔ قدرت خود در دوران حکومت مصدق زده‌اند و گاه هنوز هم می‌زنند و مکمل دروغبافی‌های کودتاچیان در بارهٔ «خطر کمونیسم» است، با انتشار کامل اسناد بی‌اعتبارتر از پیش خواهد شد. کماینکه آنچه تا به حال منتشر شده است نشان میدهد که عراق در بارهٔ خطر کمونیسم یکی از بخشهای اساسی استراتژی کودتاگران بوده و ابتکار برخی از خشن‌ترین تظاهراتی که به حزب توده نسبت داده شده، از کسانی بوده که می‌خواستند مردم ایران را از چنین خطری بترسانند.

مرتجعان اسلامگرا نیز در موقعیتی نظیر گروه قبل قرار دارند. از آنجا که از ابتدای قدرتگیری برای آمریکا خط و نشان کشیده‌اند و مبارزه با این دولت را در صدر شعارها و برنامه‌های سیاست خارجی خود قرار داده‌اند، هیچ بدشان نمیاید که سابقهٔ دخالت‌های نامشروع ایالات متحده در ایران هر چه بیشتر برملا شود و برای تبلیغاتچی‌های وراجشان خوراک فراهم بیاورد. فراموش نکنیم که هنوز گروگانگیری دیپلمات‌های آمریکایی را با ارجاع به ۲۸ مرداد توجیه میکنند. ولی از طرف دیگر از آنجا که خود در آن دوره با حکومت لیبرال مصدق مخالف بوده‌اند و حتی به کودتا مدد رسانده‌اند، میدانند که با افشای اسناد سابقهٔ همکاریشان با سیاست آمریکا هر چه بیشتر هویدا خواهد شد و گفتار تاریخی پر دروغشان در باب مبارزهٔ روحانیت با نفوذ خارجی، بر باد خواهد رفت. در همین اسناد چاپ شده کم سخن از همکاری بین کودتاچیان و روحانیان نیست و به احتمال محتوای باقی‌پرونده‌ها مشت این «روحانیت مبارز» را بازتر هم خواهد کرد. پس از انتشار خاطرات شفاهی مهدی حائری یزدی توسط «مرکز خاطرات شفاهی دانشگاه هاروارد» بر همه روشن شده که خمینی در سالهای حکومت مصدق جزو نزدیکان بهبهانی، مخالف سرسخت نخست وزیر و طرفدار پروپا قرص دربار، بوده است. حمایت بهبهانی از کودتا نیز روشن است. بی‌آبرویی بهبهانی همان بی‌آبرویی خمینی است ولی هنرنمایی‌های روحانیان به اینجا ختم نمیشود. سید کاشی را هم که از «اؤلیا»ی جمهوری اسلامی است، نباید از یاد برد. به خاطر داشته باشیم که استفن کینزر بابت نوشتن کتابش و ذکر این نکته که سیا برای انجام کودتا به دست نزدیکان شخص اخیر هم پول رسانده، کم در جمهوری اسلامی فحش نخورد.

تکلیف طرفداران نظام اتوریتر هم که روشن است. هنوز از خماری چاپ گزارش ویلبر درنیامده‌اند و از اصل و اساس با افشای هر سندی مخالفند چون مشروعیت دروغینی را که برای حکومت آریامهری سر هم کرده بودند و هنوز برای آن جایگزینی نیافته‌اند بیش از پیش به باد خواهد داد. دلیل تشبثاتی هم که طرفداران سلطنت برای بی‌اعتبار جلوه دادن گزارش ویلبر کردند در همینجاست. در این که سلطنت سوای نظام سیاسی اتوریتر برایشان معنا ندارد و در ذهن آنان این دو چنان به هم بسته است که یکی جدا از دیگری در تصورشان نمیگنجد. نامه‌های تبلیغی بی‌محتوایی که با خرج فراوان از طرف کارگزاران

محلی کودتا و اعضای خانواده پهلوی در مطبوعات فرنگی چاپ شد تا گزارش را بی ارزش قلمداد کند و کودتایی را که طرح و نظارت بر اجرای کار افسران اطلاعاتی انگلستان و آمریکا بود، به خیزش مردم ایران نسبت دهد، به همین دلیل منتشر شد. به این دلیل که طرفداران سلطنت پهلوی هنوز تصور میکنند که نظام سیاسی اتوریتر در ایران بختی دارد و خود را نمایندگان اصلی این انتخاب سیاسی می‌شمارند.

### سخن آخر

طبعاً تصمیم در باره انتشار اسناد بر عهده دولت آمریکاست. شکی نیست که گروهی از سیاستمداران آمریکایی، آنهایی که طرفدار سیاست ۲۸ مردادی در جهان سوم هستند، از بن و بنیاد با هرگونه عذرخواهی و افشای سند مخالفند. آنها همانقدر منکر اجرای عملیاتی از این قبیل هستند که علاقمند به بهره برداری از ثمرات این شیرینکاری‌ها. ولی چه اختیار به دست این قبیل افراد باشد و چه به دست افرادی بیافتد که از سیاست بین‌المللی و حرمت حقوق دیگر ملل تصویر معقول و متعادلی در ذهن دارند، روزی که صحبت از پایه‌ریزی نوین روابط بین دو کشور در میان بیاید، باید کار را از اساس سازمان داد، یعنی به ریشه نقار بین دو دولت و به عبارتی دو ملت برگشت. در آن زمان به ناچار سخن از ۲۸ مرداد در میان خواهد آمد و آمریکا با موضعی که در این زمینه اتخاذ خواهد کرد نشان خواهد داد که خواستار برقراری چگونه حکومتی در ایران است، حکومتی لیبرال که دنباله کار ناتمام مشروطیت و مصدق و بختیار را بگیرد یا حکومت اتوریتری که به کجراهه دو پادشاه پهلوی برود.